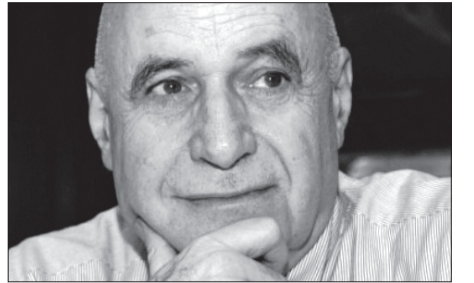


پیتر برگر

جامعه‌شناس شهیر درگذشت

پیتر لودویگ برگر معروف به پیتر برگر استاد جامعه‌شناس اثری اصلی آمریکایی دانشگاه بوستون که برای کارهای خود درباره جامعه‌شناسی شناخت، جامعه‌شناسی دین، مطالعات نوسازی و کمک‌های نظری به نظر به جامعه‌شناختی، شناخته شده است، در ۸۸ سالگی در بروکلین درگذشت.



بلاغت از آکن تا مدینه

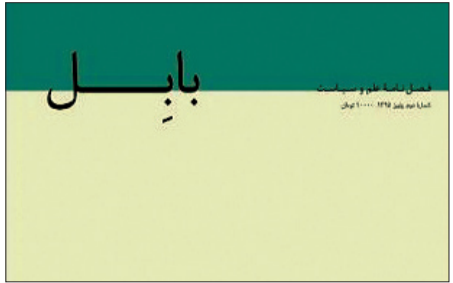
نقد و بررسی می‌شود

کتاب «بلاغت، از آکن تا مدینه» نوشته داوود عمارتی مقدم در نشست ویژه شهر کتاب با همکاری گروه زبان و ادبیات فارسی شوروی بر روی متن و دانشگاه نیشابور نقد و بررسی می‌شود. این کتاب به بررسی تطبیقی فن خطابه یونان و روم باستان و بلاغت اسلامی تا قرن پنجم هجری می‌پردازد.



شماره دوم «بابل» منتشر شد

شماره زمستان فصلنامه بابل (فصلنامه علم و سیاست) با موضوع دانشگاه و نهاد علم منتشر شد. این شماره حاوی سه فصل با تاکید بر چند متن محوری، به انتشار مقالاتی پیرامون آن پرداخته است. این شماره سه متن برگزیده از شلینگ، هومبولت و هایدگر درباره معنی علم و نهاد دانشگاه را دربر دارد.



دغدغه‌های فلسفی کریم مجتهدی کتاب شد

«فلسوف دانشجو است» نوشته کریم مجتهدی منتشر شد. این کتاب دربردارنده طیف نسبتاً وسیعی از موضوعات مختلف است که حول دغدغه‌های همیشگی استاد مجتهدی وحدت یافته است. «فلسوف دانشجو است» با شمارگان ۷۰۰ نسخه در ۲۴۰ صفحه به بهای ۱۸ هزار تومان از سوی نشر کرگدن منتشر شده است.

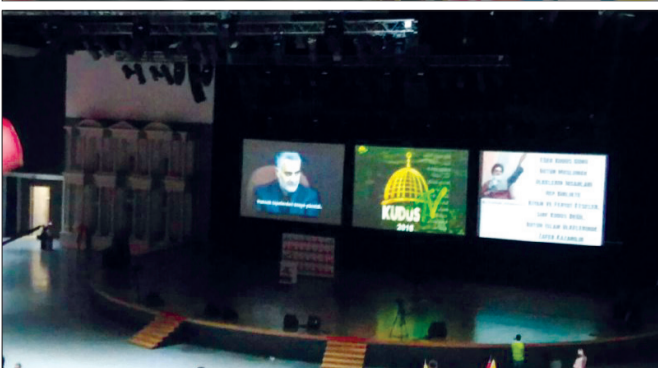


روز قدس در استانبول

هم ترکیه‌ای هم شیعی

ورود هم‌راه بود با پخش کلیپی حماسی با ترجیع‌بند علی مدد، علی مدد، جمعیت حاضر که حدود یکصد نفر می‌شدند و عمدتاً جوانان با شور و هیجان، ترجیع‌بند را همخوانی می‌کردند. می‌توان از موزیک ویدئوها نگرش سیاسی جنبش زینبیه را دریافت: تصاویر امام خمینی، رهبر انقلاب، نجم‌الدین اربکان، شیخ اوزگوندوز، شیخ احمد یاسین، سید حسن نصرالله، شهدای کشتی ماوی مرمره، سردار قاسم سلیمانی، شهید عماد مغنیه و پسرش و... یک موزیک ویدئوی اختصاصی برای سردار سلیمانی هم به زبان عربی پخش می‌شود؛ ایضا موزیک ویدئویی از حامد زمانی. در یکی از صندلی‌های بالای کیم جمعیت بیرون به داخل می‌آیند و هر یک پرچمی را در دست می‌گیرد. جایگاه بانوان بسیار زودتر از آقایان پر می‌شود. فکر می‌کردم که صد درصد بانوان با حجاب کامل مدل ترکی هستند که یکی از بانوان غیرمحبوبه می‌بینم. بین بانوان کودکان خردسال بسیار است. جوانان پرشور در گوشه‌ای از سالن دور هم جمع شده‌اند. بغل دستی‌ام با ریفش درباره ایران صحبت می‌کنند. اینکه در ایران کرد، ترک، فارس، عرب، زرتشت، سنی و شیعه هست اما همگی شان انقلابی‌اند و وحدت دارند و اینها.

میزان جمعیت پیش‌بینی شده برای مراسم، اکنون آمده‌اند. نشست‌ها صندلی‌ها را می‌شمارم و جمع و تفریق و کسر و اضافه؛ حدود چهار هزار نفر. دو شبکه تلویزیونی اینترنتی زینبیه تی وی و قدس تی وی مراسم را در بستر اینترنت به اشتراک گذاشته‌اند. حیف شبکه ۱۴ شیعیان که پارسال دولت اردوغان درش را تخته کرد... هنگام پخش سرود ملی ترکیه همه جمعیت می‌ایستند و سرود را همخوانی می‌کنند. پس از قرائت قرآن توسط قاری دعوتی از تبریز، مجری به مهمانان ویژه خوش آمد، می‌گوید: ناصر ابوشریف نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین، سرکنسول و رایزن فرهنگی ایران در استانبول، شهردار کوچک چکمه‌چر، یکی از رهبران علویان ترکیه و شیخ اوزگوندوز. مجری نام شیخ اوزگوندوز را با عنوان رهبر ما، رهبر جنبش زینبیه... بیان می‌دارد که با تشویق شدید سالن همراه است. اوزگوندوز واقعاً اینجا محبوب است. ابتدا کلیپی از فعالیت‌های اجتماعی جنبش در سالی که گذشت پخش می‌شود. تقریباً در همه وقایع جهان اسلام از خود و آکنش نشان داده‌اند. یکی از فعالیت‌هایشان باشگاه



روز قدس در سالن یحیی کمال هالکالی استانبول

رامین مددلو



یژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق

یکی از مسائلی که ذهنم را از ابتدای ورودم به استانبول مشغول کرده، انتخاب اولویت اول شیعیان این شهر است. به تقویت ساختار درونی جماعت خود بیشتر بپردازند یا به گسترش نگرش خود در جامعه اسلام‌گرای استانبول؟ نه اینکه این دو در تناقض با هم باشند؛ اما بالاخره یکی از این دو را باید به عنوان اولویت اول انتخاب کرد و بیشتر به آن پرداخت. با این نگاه گروه کوثر را تاکنون بیشتر کوشا در گسترش نگرش عدالت‌خواهانه شیعی در جامعه ترکیه دیده‌ام و جنبش زینبیه را در تقویت ساختار درونی جماعت شیعه.

شرح مشاهده

روز قدس در استانبول در سه نقطه برنامه بود: مسجد فاتح، اسرکه بشیکتاش و عرشه کشتی ماوی مرمره و سالن یحیی کمال هالکالی. برای شرح در این یادداشت، برنامه جنبش زینبیه را انتخاب می‌کنم. سالن یحیی کمال انتهای خیابان زینبیه و نزدیک مسجد زینبیه است. نیم ساعت مانده به اذان مغرب به مسجد می‌روم. در زینبیه رسم بر آن است که در ماه رمضان بلافاصله پس از اذان مغرب دو نماز اقامه می‌شود و سپس با آب و حرماً افطار. به همین سبب امام جماعت نماز را به سرعت می‌خواند. مردم به خانه‌های خود روانه می‌شوند و ساعتی بعد به مسجد بازمی‌گردند برای هم‌خوانی قرآن کریم و دعا و راز و نیاز.

برخلاف روزهای قبل که همواره مسجد مملو از جمعیت می‌شد، تنها حدود نیمی از مسجد پر شده است. پس از اقامه نماز، جمعیت به سمت سالن یحیی کمال به راه می‌افتد. چند اتوبوس که از سایر نواحی استانبول شیعیان را به مراسم آورده‌اند از قبل کنار سالن پارک شده‌اند. شهرداری منطقه کوچک چکمه‌چر که دست حزب عدالت و توسعه است، سفره افطار خود را در محوطه بیرونی سالن سدرده است. اشتباه نکنم و تنها شیعیانی را که جهت مراسم قدس آمده‌اند، حساب کنم، شهرداری اسلام‌گرای آک پارتی چند هزار بسته غذای افطار را امشب توزیع کرده و هنوز هم می‌تواند چند صد تایی را پخش کند. برای ورود به محوطه بیرونی و سفره افطار از گیت بازرسی رد می‌شوم. برای ورود به داخل سالن هم یک گیت بازرسی دیگر و هر دو پلیس، دقیق بازرسی می‌کنند. پس از گیت، در یک طرف بچه‌های انجمن خیریه حضرت زهرا ای مادر نشستند و در طرف دیگر نمایندگان کوچک کتاب شیعی، زندگینامه مرحوم شیخ توران از بزرگان شیعیان ترکیه، کتاب‌های امام حسین و حضرت آیت الله خامنه‌ای، ترجمه کتاب شعر سهراب سپهری، سی‌دی سربازهای مذهبی ایران، سی‌دی مداحی یکی از مداحان معروف اردبیل و چند سی‌دی ترانه‌خوانی مذهبی یک خواننده شیعه ترک.

وارد سالن می‌شوم. سالن یحیی کمال مدرن‌ترین سالن کنفرانس بخش اروپایی شهر است و برگزاری جشن عروسی دختر اردوغان در آن، معروف ترش کرده است. همان طور که سفره افطار بانوان از آقایان جدا بود و مسیر ورودشان به سالن اصلی، محل نشستن شان نیز از هم جداست. نیمی از سالن به بانوان اختصاص یافته است. غیر از دو بال در چپ و راست سالن، پشت هر صندلی یک پرچم گذاشته‌اند. صندلی‌های جلویی پرچم‌های حزب‌الله لبنان و فلسطین، عقبی‌ها یک‌دست پرچم ترکیه، معدود پرچم جمهوری آذربایجان و لبنان. دو پرچم بزرگ ترکیه و فلسطین هم بالای سر جایگاه مهمانان ویژه. هنوز مراسم شروع نشده و در سالن موزیک ویدئوهای حماسی در حال پخش است. لحظه

خطرات شهر، سفرنامه استانبول

نقد و نظر

فرهیختگان شاید برنامه رضا رشیدپور با یکی از سوپرستاره‌های سینمای ایران را دیده باشید که در آن رشیدپور با نمایش عکس چند نفر از افراد شهیر حوزه سینما از «سلبیرونی وطنی» سوال می‌پرسد و او در کمال ناباوری آنها را نمی‌شناسد و نمی‌داند مثلاً تارتینو کیست یا کاپولا سازنده سه گانه پدرخوانده چه کسی است. همین فرد در شبکه‌های مجازی طرفداران میلیونی دارد؛ در حالی که اعضای کاتال‌های اندیشمندان و عالمان کشور ما به ندرت از سه یا چهار هزار نفر عبور می‌کنند!

میل به تجدید رو به تکرار رفته است. در جامعه متکسر گروه‌های مرجع چاه‌به‌چاه می‌شوند و دیگر عالمان یا اندیشمندان، مرجع فکری توده‌ها نخواهند بود. اینجاست که به کمک رسانه‌های جمعی پدیده سلبیرونی‌ها رخ می‌دهد و آنها به عنوان گروه مرجع جایگزین عالمان یا اندیشمندان می‌شوند و در صدر اخبار قرار می‌گیرند و کوچک‌ترین اتفاق زندگی آنها بسیار برجسته می‌شود. همین شهرت و محبوبیت باعث می‌شود صاحبان قدرت و سیاست‌پویان نیز چشم طمع به آنها داشته باشند تا جایی که حتی در انتخابات اخیر ریاست جمهوری کشورمان نیز سلبیرونی‌های ورزشی و هنری در میتینگ‌های انتخاباتی نقش قابل توجهی ایفا کردند.

جورج مونبیور مقاله‌ای پیوند سلبیرونی و امر سیاسی را مورد بررسی قرار داده است که در ادامه گزارش می‌دهم. یکی از همان جوانان همخوانی می‌کنند. پرچم حزب‌الله در دست‌شان است و همخوانی را تا جلوی مسجد زینبیه ادامه می‌دهند.

شرح دغدغه با مشاهده مراسم قدس جنبش زینبیه یک برنامه با حضور همه اعضای خانواده‌ها بود؛ با شور و هیجان بسیار. مراسمی که جنبه‌های بین‌المللی و حرفه‌ای آن رعایت شده بود. نسبت به دو برنامه ظهر و عصر روز قدس انعکاس کمتری داشته است؛ زیرا انعکاس در اخبار جزء اهداف آن نبود. شاید بتوانم هدف اول این برنامه را تزریق سنگین هویت شیعی بنامم. این برنامه در پی حرکت در مسیر انسجام‌بخشی درونی به شیعیان استانبول بود و از این بابت می‌توانم گفت برنامه‌ای موفق بوده است.

خودم را به جای یک جوان شیعی که در استانبول به دنیا آمده، می‌گذارم: آذری بودیم هویت اصلی‌ام را می‌سازد و سپس شیعی بودیم. اگر هم رنگ جماعت شوم، می‌توانم پیشرفت کنم. دوست دارم خودم را به قوم غالب یعنی ترکان متصل سازم. پس به احزاب لائیک و قوم‌گرا مانند حزب حرکت ملی بیشتر تمایل نشان می‌دهم. از دیگر سو می‌توانم در هوای آزاد اما فساد شهر تنفس کنم... چه می‌شود که به این سمت نمی‌روم؟ کاری که جنبش زینبیه در حال انجام آن است ساخت یک هویت منسجم چندجانبه برای شیعیان استانبول است؛ هویتی که بتواند به جوانش غرور ببخشد و به پیر و میانسالش آرامش خاطر. غرور حاصل از هویت خاص قابل احترام است که تعداد تماشاگران بازی‌های تیم فوتبال محلی ایفااسپور را بیشتر از نصف تیم‌های لیگ برترمان می‌کند.

هویتی که در عین محوری‌ت مذهب شیعه، با ترکیه‌ای بودن هیچ تضاد و تناقضی نداشته باشد تا جوان شیعی استانبول مجبور به انتخاب میان شیعه یا ترکیه‌ای بودن نشود و این بسیار مهم است. جنبش زینبیه در حال هویت‌بخشی به اقلیت شیعه است با رویکرد اسلام فرهنگی. اولویت ساخت، حفظ و تقویت ساختار درونی جماعت شیعیان با هویت‌بخشی هماهنگی دارد و رویکرد اسلام فرهنگی با مشکل هوای آزاد اما فاسد شهر و نیز نگرش بدبینانه برخی از نخبگان سیاسی ترکیه به شیعیان این کشور مواجه است.

پیوند سلبیرونی و امر سیاسی

ماسک سلبیرونی‌روی چهره خشن سرمایه‌داری

می‌کنند. نقش این جور افراد آن است که نشان دهند پشت لوگوی این شرکت‌ها چیزی هیجان‌انگیزتر از ساختمان‌های اداری و جدول‌های مالی است. آنها جذابیت و مدسازی خود را به شرکتی انتقال می‌دهند که برایش تبلیغ می‌کنند. به محض اینکه چکی را دریافت می‌کنند که هویت‌شان را می‌خرد، به موجوداتی فرآوری‌شده‌وبی‌اعتبار تبدیل می‌شوند؛ مانند چیزی که تبلیغش راضی‌کنند.

سلبیرونی‌هایی که بیش از همه‌ی بیند سودآورترین محصولات هستند. صنعت بازاریابی، از طریق رسانه‌های متمایل به این کار، آنها را قالب‌ریزی کرده‌است، در حالی که کسی هم‌نیازی به کنترل قدرت‌شان نمی‌بیند. به همین دلیل است که امروزه بازیگران



جورج مونبیو

مدل‌ها با چنین توجه بیش از حدی روبه‌رو هستند و جای کسانی را گرفته‌اند که روزی نظرات مستقل خودشان را داشته‌اند؛ در واقع تخصص آنها هدایت کردن دیدگاه‌های افراد است. گرنت مکرکن، انسان‌شناس با بررسی در پایگاه داده‌ها مشخص کرده که در ایالات متحده و بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰، بازیگران ۱۷ درصد توجه به خود اختصاص داده بودند؛ اما این مقدار کمی کمتر از مجموع توجه به فیژیکدان‌ها، شیمی‌دان‌ها و زیست‌شناسان بود. در این شرایط کارگردانان ۶ درصد و نویسندگان ۱۱ درصد توجهات را به خود جلب کرده بودند. بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۱۹۵۰، بازیگران ۲۴ درصد توجه را به خود اختصاص داده بودند و نویسندگان نیز ۹ درصد. این آمار در سال ۲۰۱۰ به این صورت درآمده است: بازیگران ۳۷ درصد توجه (بیش از چهار برابر توجهی که به دانشمندان علوم طبیعی شده) را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که میزان توجه به کارگردانان و نویسندگان به

۳ درصد کاهش یافته است. با مشاهده و مطالعه فقط چند مصاحبه‌به‌راحتی می‌توان دریافت که چه ویژگی‌هایی از سلبیرونی‌ها انتظار می‌رود: باوه‌کوبی، حقاقت و البته زیبایی ظاهری. آنها در حقیقت لوکوم‌های سفیدی‌رادارند که می‌توان چیزهای لازم را پوشان تصویر کرد. جز مواردی استثنایی، آنها بی‌که هیچ حرفی برای گفت ندارند بهترین تریبون‌ها را برای گفتن حرف‌هایشان در اختیار دارند. اما اگر این سلبیرونی‌ها نقش‌های سپرده‌شده را فراموش کنند، درهای جهنم به‌رویشان گشوده خواهد شد. لی‌لی‌آئن، زمانی که فروشگاه‌های جان لونسون را تبلیغ می‌کرد، عزیز دل رسانه‌ها بود. گری لینکر، تا وقتی فروش فست‌فودهای مزخرف را برای بچه‌ها تبلیغ می‌کرد، مشکلی نداشت. اما به محض اینکه آنها با پناهجویان ابراز همدردی کردند، همین رسانه‌ها آنها را خرد کردند. وقتی حییت را با استکس‌های شرکت‌ها پر می‌کنی، باید تفکرات خودت را دور بریزی.

سلبیرونی نقش مهم دومی هم دارد: نوعی سلاح حواس‌پرتی جمعی. مطالعه منتشرشده در ژورنال بین‌المللی مطالعات فرهنگی هم، که پیش‌تر گفته شد، نشان می‌دهد افرادی که بیشترین توجه‌ها به سلبیرونی‌ها دارند کمترین درگیری‌پاسیاست، کمترین احتمال اعتراض و کمترین احتمال رای دادن را دارند. همین مساله‌ی می‌تواند خط‌بطلانی باشد بر ادعاهای گاه‌وبی‌گاه اجتماعی پیوندی‌ها دهند. این پیمایش نشان می‌دهد افرادی که به سلبیرونی‌ها دل بسته‌اند به‌طور متوسط به اندازه دیگران اخبار می‌بینند، اما به نظر می‌رسد در بی‌توجهی دائمی به سسر می‌برند. اگر می‌خواهی افراد را بی‌سرداوبی تفاوت‌نگهداری، کافی است روزی چندبار چهره تیلور سوئیفت، شایا لایبوف و کارا لودین را نشان‌شان بدهی. این دو کارایی عمده فرهنگ سلبیرونی‌رامی‌توان به‌شکلی بی‌نقص در ترامپ دید: شخصیت‌بخشی به شرکت‌ها و حواس‌پرتی جمعی. سلبیرونی‌بودن به‌مثابه نقابی عمل کرد تا امپراتوری کاری اشفته، وابسته و غیراخلاقی‌اش را بپوشاند. تصویر عموم از او دقیقاً نقطه مقابل هر آن چیزی بود که او و شرکتش انجام می‌دهند. این وارث لوس‌وبی مسئولیت‌ثروتی عظیم، به‌عنوان مجری نسخه آمریکایی برنامه تلویزیونی «آپرتینیس» (کارآموز)، به نماد تحرک اجتماعی و کاری تبدیل شد. در طول انتخابات ریاست جمهوری، شخصیت برهیاوهی او حواس مردم را از خلأ فکری پشت این نقاب پرت کرده؛ خلئی که امروز پرکردنش بر عهده نمایندگان هشیارتر سرمایه جهانی گذاشته شده است. شاید سلبیرونی‌های زندگی‌شما را پر کرده باشند، ولی دوست‌تان نیستند. فرقی نمی‌کند که پدیدآورندگان این فرهنگ چه نیتی داشته‌اند؛ باید گفت این فرهنگ دستیار بهره‌کنشی است. بیاید همسایه‌هایمان را به جای واقعی‌شان برگردانیم و از اینهایی که نقش همسایه‌هایمان را بازی می‌کنند روی برگردانیم.